

شاملو
و
اگزستانسیالیسم سارتر

بررسی مبانی فلسفی و اخلاقی شعر شاملو

بهمن ارجمند

انتشارات آفاقیا

۱۳۹۱

سرشناسه: ارجمند بهمن، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور: شاملو و اگزیتانسیالیسم سارتر: بررسی مبانی فلسفی و اخلاقی شعر شاملو - بهمن ارجمند.
مشخصات نشر: قزوین: انتشارات افاقیا، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۷۸-۰۰-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
عنوان دیگر: بررسی مبانی فلسفی و اخلاقی شعر شاملو.
موضوع: شاملو، احمد، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ نقد و تفسیر
موضوع: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. نقد و تفسیر
موضوع: فلسفه و شعر فارسی -- قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع: اگزیتانسیالیسم در ادبیات
رده بندی کنگره: PIR۸۱۱۴/الف۸۵ ی۸۳۱۴۱۳۹۱
رده بندی دیویی: ۸۱۱/۴۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۲۹۹۸۵۲۸



انتشارات افاقیا

شاملو و اگزیتانسیالیسم سارتر

بهمن ارجمند

ناشر: افاقیا

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه آرا: احمد موبدی

طرح جلد: عبدالله عرب فتیده

لیتوگرافی و چاپ: سعیدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۷۸-۰۰-۵

بها: ۷۰۰ تومان

قزوین - خیابان فجر رو بروی خانه های بانک مسکن کوچه ۲۸ پلاک ۴

تلفکس: ۳۳۶۸۶۳۸ - همراه: ۰۹۱۲۵۸۱۰۹۷۲

صندوق پستی ناشر: ۳۴۱۳۹۵۸۵۵۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

info@afaqia.ir

www.afaqia.ir

فهرست

۷	 مقدمه
۱۳	 کلیاتی از اگزیتانسیالیسم سارتر
۶۳	 شاملو و باشنده‌ی آگاه
۱۲۹	 شاملو و نیت ناراست
۱۴۵	 شاملو و دیگری
۱۷۵	 شاملو، وجود و فراموشی وجود
۱۸۵	 منابع و مآخذ

مقدمه

فهم و دریافت بنیادهای فلسفی شعر شاملو همواره دغدغه‌ی نگارنده بوده است. هر چند برخی از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که هیچ خط و ربط پیوسته‌ی فلسفی را نمی‌توان در شعر شاملو مشاهده نمود. [۱] اما منتقدانی چون "رضا پراهنی" [۲]، "عبدالعلی دستغیب" [۳] و "محمد حقوقی" تلویحاً به نسبت برخی از اشعار شاعر با اگزیستانسیالیسم اشاره داشته‌اند. متن پیش رو نیز بر آن است که پیوستگی خط و ربط‌های فلسفی شعر شاملو را با اگزیستانسیالیسم به ویژه اگزیستانسیالیسم سارتر تبیین نماید.

منتقدان یادشده در عین اشاره‌ی تلویحی به ربط بنیادهای فلسفی اگزیستانسیالیسم با شعر شاملو، به صورت مستقل و طبقه‌بندی شده، به نسبت مشخص مصرع‌ها با اصول مکتب مذکور اهتمام نورزیده و رابطه‌ی هیچ اصولی از مکتب مذکور را به طور مشخص با شعر شاعر نسنجیده و یا هیچ مصراع و سطری از اشعار را با توجه به اصول مذکور دسته‌بندی نکرده‌اند. در این متن سعی شده است ابتدا با تشریح آرای سارتر و ورود به گزاره‌های جزئی‌تر و مشخص‌تر بین این آرا با پایه‌های فلسفی- اخلاقی شعر شاملو نسبت برقرار شود.

این ادعا که شعر شاعری را می‌توان از منظر یک دیدگاه و یک مکتب فلسفی تبیین نمود، مؤید بی‌اعتباری آثار شاعر نیست بلکه مویذ این امر مهم است که

شاعران بزرگ دارای یک زمینه‌ی فکری منسجمی هستند و یکی از عوامل عظمت جایگاهشان در سپهر تاریخ ادبیات به این امر مهم وابسته است. هدف نگارنده از تأکید بر پایه‌های فلسفی شعر شاملو که در پیوند با آرای سارتر ارزیابی خواهد شد، اعتبار بخشیدن به شعر شاملو است. اگر سه ویژگی اصلی شعر شاعران بزرگ را با عناوینی چون ۱- خصلت هنری شعر ۲- خصلت در زمانی ۳- خصلت پرداختن به امور نوعی بشر مشخص سازیم، اهمیت خواهد داشت بدانیم که بسیاری از شعرهای شاملو در عین برخورداری از خصلت برجسته هنری و پوشش دادن به خصایل "در زمانی" از کدام دغدغه‌های "نوعی" برخوردارند. غرض از دغدغه‌های نوعی پرداختن به دغدغه‌هایی است چون "پستی و کیستی انسان"، "ذهن و شناخت"، "جهان و قوانین حاکم بر آن"، "خبر و اختیار"، "مرگ"، "اصل ستیزه" و ...

اگرچه پژواک پرطنینی از آرای سارتر در اغلب شعرهای شاملو دیده می‌شود اما توجه به این نکته ضروری است که این پژواک در سطح شعر یک شاعر است و نه در سطح رساله‌ی فلسفی یک فیلسوف. سطح انعکاس و الهامی را که نگارنده بر آن تأکید دارد، سطح انعکاس آرای یک فیلسوف است در شعر یک شاعر. شعری که علاوه بر انتقال معنا باید به اقتضائات خود نیز وفادار باشد.

متن پیش رو مدعی نیست که شاملو در مواجهه‌ای مصنوعی و از خود بیگانه بر آن است که آرای سارتر را در شعرش منعکس نماید بلکه در مورد شاملو باید گفت: نوع خاصی از تجربه‌ی زندگی، روح شعر او را که جدای از تجربه‌ی زندگی اش نبوده با اگزیستانسیالیسم پیوند زده و شعر او به همین دلیل با آرای سارتر قابل تحلیل و تبیین است. هر چند نمی‌توان منکر شد که شاملو به مطالعه‌ی جدی آثار فیلسوفان اگزیستانسیالیسم - به ویژه سارتر - اهتمام ورزیده و برخی از آرای سارتر که با تجربه‌ی زندگی عینی وی موافقت داشته در شعرش به توارد بازتابیده است.

بر خوانندگان این متن پوشیده نیست که سالهای نشو و نمای فکری شاملو یعنی دهه‌های ۵۰ - ۲۰ سال‌های غلبه‌ی دو جریان فکری در عرصه‌ی اندیشه است: مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم. در این سالها عموماً اگزیستانسیالیسم با آرای سارتر شناخته می‌شد. در همین دهه‌هاست که بسیاری از کتب سارتر به زبان فارسی

ترجمه شد. تعاملی را که بین شاملو و اگزیستانسیالیسم برقرار است، می توان حتی در نخستین آثار شاملو نیز مشاهده نمود. اگر مهمترین وجوه مشخص اگزیستانسیالیسم را در مفاهیم و گزاره هایی چون: تقدم وجود بر ماهیت، تأکید بر نقش اراده و آگاهی انسان، نفی تقدیر، قدرت پایداری و مقاومت اراده ی آدمی در برابر "امر مستقر" در نظر گیریم، حاکمیت روح اگزیستانسیالیستی بر نخستین اشعار شاعر به وضوح نمایان است اما تاثیر اختصاصی و آگاهانه ی اگزیستانسیالیسم سارتر بر تفکر حاکم بر شعر شاملو به ویژه با کتاب "باغ آینه" ظاهر می شود. هر چند بر مبنای گزاره ی "تقدم وجود بر ماهیت" به عنوان تعریفی عام از اگزیستانسیالیسم می توان ادعا کرد که شاملو حتی هنگامی که قطعه ای را می سرود، باطناً رویکردهای اگزیستانسیالیستی داشته است. این ادعا را می توان از طریق تأکیدی که شاملو بر اختیار و اراده و نفی تقدیر و سرنوشت در نخستین آثار خویش داشته، رصد کرد، به ویژه در شعرهایی که در ستایش شخصیت های برجسته ی روزگار خود سروده است.

نگارنده پیش از این با توجه به شدت حضور و ظهور مفاهیمی چون رنج و درد در شعر شاملو تصور می کرد که نسبتهای بین تلخ اندیشی شاملو و تأکیدات بودا بر وجود رنج وجود دارد. هرچند نمی توان به کلی منکر آشنایی و مفاهمه ی شاملو با آرای بودا شد اما این تلقی به توضیحی نیازمند است که در این مجال نمی گنجد و از حوصله ی بحث خارج است، بنابراین از تفصیل و تبیین آن در می گذریم.

علاوه بر دغدغه ی نگارنده در بازشناسی بنیادهای فلسفی شعر شاملو، عامل دیگری که موجب شد تا امر جستجو در شعر شاعر با قوت و عمق بیشتری دنبال گردد، تعبیری است که برخی صاحب نظران در مورد علت ظهور سوژیکتیوئه در شعر شاملو ارائه می دهند. به بیانی صریح تر آنان ظهور "سوژه" را در شعر شاملو به ساخت استبداد زده ی ذهن و زبان شاعر مربوط می دانند. صاحب نظران مذکور از نوع موجودیت "من" در شعر شاملو با عنوان ظهور مستبدانه ی متکلم وحده در شعر یاد می کنند و در تبیین آن می افزایند: «شاملو چنان پرورده و آموخته ی نگاه از منظر متکلم وحده است که نظریه های انبوه نیما در پرهیز از دانای کل، اصلاً در چارچوب شخصیتی شاملو قابل انطباق نیست... شاملو با تکیه بر دیدگاه "اول

شخص" در واقع رگ حیاتِ پرسونا‌های نوزاد شعر نیما را ناخواسته قطع می‌کند... واژه‌ی "من" که صدها بار در "قطعنامه" تکرار شده، در هیچ مورد جزء به عنوان شخصی احمد شاملو شاعر تجلی نمی‌کند... شاملو در فاصله‌گذاری بین "من" و پرسونا‌های شعری مؤفق نیست. شعر "زمین" نشان می‌دهد که شاملو به گونه‌ی سرایشِ بدونِ تسلطِ "من" شاعرانه می‌اندیشیده است ولی پرسونا‌های دراماتیک شاملو اغلب به خودِ شاعر شبیه‌اند یا به شکلی "روشن فکر"ند؛ یعنی، به هر حال تفکر شخصی شاعر به نحوی از انحا به خواننده القا می‌شود... و ریشه‌های آن را در "پدر سالاری"، "مردسالاری"، "رئیس سالاری" و "من سالاری" جستجو می‌کنند. آنان بر این باورند که: «دلیل عدم تناسب زبان شعر با پرسوناها، ذهن‌گرایی شاعر است. ذهن‌گرایی به همان اندازه که می‌تواند به استبدادِ ناخودآگاه و اسارت در زبان و بیانی یکسویه دامن زند، می‌تواند نتیجه‌ی انزوای روشنفکرانه و ایزوله بودن روحی او هم باشد». همچنین معتقدند: «تلنگری بر پیکرِ نظام اجتماعی استبدادی کافی بود که ساختِ مستبدانه‌ی شعر شاملو مورد تردید قرار گیرد و تاریخِ مصرفِ شعرهای سیاسی- اجتماعی را مهر گذشته بزند.» [۴] یکی از فروض نگارنده درمکتوبِ پیش رو آن است که شدتِ ظهورِ "من" در شعر شاملو دارای عزیمتی مدرنیستی- اگزیستانسیالیستی است. به دیگر سخن حضور منحصر به فرد و مطمئنِ سوژیکتیویته در شعر شاملو ریشه در نگاه اگزیستانسیالیستی شاملو دارد که آن نیز در زمینِ مدرنیسم بالیده است.

مکتوبِ پیش رو صرفاً آغاز طرح و بررسی یک موضوع است. امید آن که دیگران در تکمیل آن اهتمام ورزند. این مکتوب از پنج متن تشکیل شده است. در متن نخستین به تشریح مبانی اگزیستانسیالیسم سارتر می‌پردازیم. در این بخش سعی شده است، آرای سارتر گزارش گردد و برکنار از صحت و سقم آن صرفاً شناسانده شود. بر آن نیستیم که در این بخش در مواجهه با آرای سارتر و نوع نسبت شعر شاملو با آن، رویکردی ایجابی یا سلبی داشته باشیم. بنابراین در بخش "کلیاتی از اگزیستانسیالیسم سارتر" صرفاً از آرای وی گزارشی خواهیم داشت و به توصیف نظریات وی می‌پردازیم. در این بخش غالباً سعی شده است که وفاداری به اقوال

و انشای متون منبع حفظ شود. دقت در مطالعه‌ی کلیاتی از آرای سارتر می‌تواند مفاهیمی ما را با مستنداتِی را که از شعر شاملو ارائه می‌شود، افزایش دهد. انگیزه‌ی تطبیق شعرهای فلسفی و اخلاقی شاملو با اگزیستانسیالیسم سارتر، نگارنده را بر آن داشت که از طریق منابع موجود مطالعاتش را در شناخت دقیق آرای سارتر متمرکز کند. تمرکز بر آرای سارتر باعث شد که عملاً بخش کلیات آرای سارتر در عین پایه‌ای بودنش در شناخت بنیادهای فلسفی و اخلاقی شعر شاملو، خود به عنوان بخشی مستقل در نظر آید. در این بخش دریافت بن‌مایه‌های آرای سارتر که در ذیل چهار گزاره گنجانده می‌شود، حاصل مطالعات نگارنده است و از حیث شیوه‌ی ارائه‌ی مطلب نیز که بر پایه‌ی همین چهار گزاره تهیه شده است، ابداعی و ابتکاری است. امید است بخش کلیات برای آنانی که می‌خواهند آرای سارتر را بازشناسند، سودمند باشد.

پس از گزارشی از آرای سارتر و دسته‌بندی مهمترین مفاهیم و مقولات فلسفی و اخلاقی وی، در بخش ورود به شعر شاملو، آنیم که بر پایه‌ی مهمترین پایه‌های فلسفی و اخلاقی آرای سارتر، مقایسه‌ای بین آرای سارتر و دغدغه‌های فلسفی و اخلاقی شاملو صورت گیرد. مهمترین سرفصل متن‌ها عبارتند از: «شاملو و باشنده‌ی آگاه»، «شاملو و دیگری»، «شاملو و نیت ناراست» و «شاملو، وجود و فراموشی وجود». امید آن که با متن پیش رو شناخت خوانندگان نسبت به شاملو غنی‌تر گردد.